



Responsible Criminal Policy Crime and Criminal Policy

سیاست جنایی مسئول، جرم و سیاست جنایی

Peyman Dolatkhah Pashaki

PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

پیمان دولتخواه پاشاکی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

peyman.d77@gmail.com

Abstract

Criminal policy may be assessed in a framework that is defined by the logical basic elements of crime. These are the motivated and able offender, the victim or target, and control. It is only in certain combinations of these three elements that a crime can take place, and criminal policy addresses one or several of these elements. The objectives of criminal policy are defined being fourfold: to minimize the social costs of crime; to minimize the costs of crime control; to distribute these costs; and to do this in a fair manner. It is such considerations that are to be accounted for if knowledge-based criminal policy is to be defined and implemented. In real-life terms, this is rarely being done comprehensively. Criminal policy is, in contrast, often simplistically understood as „fighting crime“, i.e. in terms of warfare. Today, criminal policy requires careful consideration in particular because both crimes and their environment are undergoing rapid change. This puts decision-making in a particularly demanding situation and accentuates the need for valid knowledge of the situation. Therefore, there is great need of updated research on old and new forms of crime, and such research should address all central elements of crime. The near future of criminal policy is much influenced by financial crisis. This creates high demands for a more consciously knowledge-based and better quality crime control. The near future may see both positive and negative developments, the negative ones being more likely if criminal policy is not made in a responsible and comprehensive manner. The alternative of a positive criminal policy is suggested as a utopian but achievable goal.

Keywords: Crime, Criminal Policy, Future.

چکیده

سیاست جنایی ممکن است در چهارچوب تعریف شده توسط عناصر اساسی منطقی جرم ارزیابی شود. این (عناصر) مجرم با انگیزه و توانا، قربانی یا هدف و کنترل هستند. تنها در ترکیب معینی از این سه عنصر است که جرم می‌تواند رخ دهد و سیاست جنایی به یک یا چند مورد از این عناصر می‌پردازد. اهداف سیاست جنایی در موارد چهارگانه ذیل تعریف شده است: به حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی جرم؛ به حداقل رساندن هزینه‌های کنترل جرم؛ توزیع این هزینه‌ها؛ و انجام این کار به شیوه‌ای عادلانه. اگر قرار است سیاست جنایی دانش‌بنیان تعریف و اجرا شود، چنین ملاحظاتی باید در نظر گرفته شوند. در شرایط واقعی، این مهم به‌ندرت به‌صورت جامع انجام می‌شود. در مقابل، سیاست جنایی اغلب به‌طور ساده به‌عنوان «مبارزه با جنایت»، یعنی در فضای جنگ، درک می‌شود. امروزه، سیاست جنایی به‌صورت ویژه نیازمند بررسی دقیق است، زیرا هم جرایم و هم محیط آن‌ها در حال تغییر سریع هستند. این موضوع تصمیم‌سازی را در موقعیت سختی قرار می‌دهد و بر ضرورت درک صحیح از موقعیت تأکید می‌کند. بنابراین، نیاز شدیدی به تحقیقات به‌روز در مورد اشکال قدیمی و جدید جرم وجود دارد و چنین تحقیقاتی باید به تمام عناصر اصلی جرم بپردازد. آینده نزدیک سیاست جنایی بسیار تحت تأثیر بحران مالی است. این امر ضرورت بیشتر وجود یک (نظام) کنترل جرم آگاهانه دانش‌بنیان‌تر و باکیفیت بهتر را ایجاد می‌کند. در آینده نزدیک ممکن است شاهد تحولات مثبت و منفی باشیم که اگر سیاست جنایی به‌طور مسئولانه و همه‌جانبه اتخاذ نشود، تحولات منفی بیشتر خواهد بود. جایگزین سیاست جنایی «مثبت»، تحت عنوان (سیاست جنایی) آرمان‌شهری اما با اهداف دست‌یافتنی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: جرم، سیاست جنایی، آینده.

Received: 2022/10/23 - Review: 2023/01/25 - Accepted: 2023/02/24

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

ارجاع:

آروما، کاکو؛ (۱۴۰۱)، سیاست جنایی مسئول، جرم و سیاست جنایی، ترجمه پیمان دولنخواه پاشاکی؛ تمدن حقوقی، شماره ۱۲.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



۱- نحوه برخورد با جرم

تهدید مجرمان بالقوه به مجازات و تنبیه آن‌ها به طرق مختلف محبوب‌ترین روش برخورد با جرم بوده و همچنان ادامه دارد. در فرض عمل بدین شکل، سیاست جنایی به صورت بسیار مضیقی به مانند «مبارزه با جرم» یا بازدارندگی و پیشگیری از جرم با اتکاء به نظام عدالت کیفری درک شده است، علاوه بر این، سیستم عدالت کیفری همان‌طور که می‌دانیم اساساً فقط مجرم را مورد خطاب قرار داده است. به منظور بیان مسئله در مورد این رویکرد، باید به چگونگی وقوع «جرم» بنگریم.

۲- عناصر اساسی منطقی جرم

جرم در چهارچوب زمانی، جغرافیایی، اجتماعی و قانونی مشخصی رخ می‌دهد که تعیین می‌کند افراد و اشخاص حقوقی قادر به انجام چه کاری هستند و کدام اعمال در آن چهارچوب خاص به عنوان جرم تعریف می‌شوند. اقدامات اصلاحی و مباحثات پیرامون نظام عدالت کیفری اغلب در مورد تغییر چهارچوب قانون بوده است: قضازدایی، جرم‌زدایی، حبس‌زدایی، جایگزین‌های زندان، ضمانت اجرای جدید، عدالت ترمیمی و غیره. با توجه به این چهارچوب، همان‌طور که مارکوس فلسون به آن اشاره کرد جرم امری ساده است که از سه عنصر منطقی تشکیل شده است که برای وقوع جرم لازم است: مرتکب، هدف/بزه دیده و کنترل ناکافی.

اولین عنصر مجرم است. در صورت نبود اراده و ظرفیت مجرمانه یعنی مجرم بانگیزه و توانا هیچ جرمی محقق نمی‌شود. تحقیقات و سیاست‌ها به‌طور یکسان بیشتر به این عامل توجه کرده‌اند. قوانین جزایی و نظام‌های عدالت کیفری ما بر مجرم متمرکز شده‌اند و بسیاری از کارهای تجربی و نظری موجود در مورد جرم نیز به همین ترتیب است. بخش بزرگی از نظریه موجود در مورد این عنصر جرم است، به عنوان مثال اصلی؛ نظریه‌های

علت جرم (بیولوژیکی، روانی و اجتماعی). پرداختن به این موضوع خطابه نظر نمی‌رسد. مطالعه مجرمان و رفتارهای مجرمانه امری مرتبط و ضروری است. قانون کیفری مربوط به اقدامات خلافکارانه است و نظام عدالت کیفری با متخلفان شناخته‌شده برخورد می‌کند و متخلفان بالقوه را تهدید می‌کند.

عنصر دوم هدف/قربانی است. هر چقدر هم که مجرمان بالقوه، بانگیزه، ماهر و توانا باشند، اگر قربانی یا هدف مناسبی در دسترس نباشد، جرم قابل ارتکاب نیست. به‌منظور بهبود مداخلات، آگاهی از اهداف، قربانیان و تحقیق در این زمینه ضروری است. همچنین، تحقیقاتی که به فصول مشترک میان مجرم و هدف می‌پردازند برای درک بهتر موقعیت ضروری است. درک بهتر از سازوکارهای مربوطه همچنین موجب گسترش دامنه ساختارهای قانونی و اجرایی مرتبط می‌شود که به‌منظور مداخلات، پیشگیری و کنترل جرم طراحی شده‌اند. عنصر سوم کنترل ناکافی است. حتی زمانی که مجرم و هدف از نظر زمانی و مکانی بر هم منطبق باشند، اگر موقعیت یا فرصت به‌اندازه کافی کنترل شود، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. کنترل هم رسمی و هم غیررسمی است. (در این جا منظور) کنترل خارجی است. خودکنترلی و درونی‌سازی هنجارها موضوع دیگری است که ترجیح بر آن است که به عنصر «مجرم بانگیزه و توانا» تعلق داشته باشند. کنترل خارجی به میزان زیادی مورد تحقیق قرار نگرفته است و همچنین کار زیادی در مورد تأثیر متقابل بین سه عنصر اساسی منطقی جرم وجود ندارد.

۳- بحث و تعریف سیاست جرم

سیاست مرتبط با جرم اغلب به‌اشتباه تحت عنوان «مبارزه با جرم» تصور می‌شود. این دیدگاه تنها از یک جنبه واقع‌بینانه است: جرم در داخل و بخشی از ساختار اجتماعی و قانونی است. در این معنا، مبارزه با جرم را می‌توان به‌عنوان موضوعی برای خود بازتابی سیستم در نظر گرفت: چه ویژگی‌هایی از نظام (عدالت کیفری) در هنگام وقوع جرم درگیر شده است؟ با این حال، این معنایی نیست که معمولاً عبارت «مبارزه با جرم» به کار می‌رود. کاربرد معمولی به جنگ اشاره دارد که نشان می‌دهد دشمن بیرونی یا درونی وجود دارد و جنگ داخلی دائمی در جریان است. این که چرا انجام این بحث ضروری است به این دلیل است که حقایق اساسی به‌طور مکرر به خاطر (حداقل) سه دلیل فراموش می‌شوند:

تغییر نسل: هر نسلی روش خود را برای نگاه کردن به جهان و توضیح آن می‌آموزد. نسل‌های جدید معمولاً تفسیرهای جدیدی از مشکلات و راه‌حل‌ها دارند که اغلب مبتنی بر دیدگاه و تداوم تاریخی نیست. علاوه بر این، رویکردهای ظاهراً «جدید» نیز معمولاً توسط افراد نسل‌های قبلی انتخاب می‌شوند و همچنین باعث ناپیوستگی می‌شوند.

پیشینه‌های حرفه‌ای: افرادی که جرم‌شناس پنداشته می‌شوند، گروهی همگن نیستند، بلکه دارای پیشینه‌های متعددی هستند، اغلب فاقد آموزش جامعه‌شناختی یا خبرگی در موضوعات مربوط به سیاست‌گذاری هستند. از این رو، فقدان یک پارادایم مشترک در مورد سیاست مرتبط با جرم وجود دارد. پدیده واکنش: آونگ ایدئولوژیک در حال نوسان است به جای حرکت در یک جهت، در حال نوسان است. پس از دوره‌هایی از پیشرفت، اغلب یک واکنش متقابل (عقب‌گرد) وجود خواهد داشت. یک تعریف جایگزین مفید از سیاست مرتبط با جرم توسط فیلسوف فنلاندی سیاست‌جنایی، پاتریک تورنود ابداع شد. او این کار را با شناسایی هدف آن انجام می‌دهد. «تصمیم‌گیری مربوط به کنترل جرم و سیاست جنایی یا سیاست کنترل جرم دو هدف اساسی دارد: تنظیم/به حداقل رساندن مجموع هزینه‌های اجتماعی (از جمله رنج انسانی) ناشی از جرم و واکنش جامعه به جرم (یعنی کنترل جرم)؛ و توزیع عادلانه این هزینه‌ها بین طرف‌های درگیر، یعنی مجرمان، قربانیان جرم، مالیات‌دهندگان و غیره.» بر اساس این تعریف، اهداف سیاست جنایی عبارت‌اند از: به حداقل رساندن هزینه‌های اجتماعی جرم؛ به حداقل رساندن هزینه‌های کنترل جرم؛ توزیع هزینه‌ها؛ و انجام این کار به شیوه‌ای «عادلانه». پاسخ‌های دانش‌بنیان به همه این‌ها نیازمند تحقیقات زیادی است که به‌ندرت انجام می‌شود. با این واقعیت که جوامع ما در حال تغییر دائمی هستند، انجام این کار پیچیده‌تر هم می‌شود.

۴- همه‌چیز در حال تغییر است

اول این که جوامع در حال تغییر هستند. در دنیای مدرن، اقتصاد به میزان فزاینده‌ای حاکم است. این امر به جهانی شدن و ادغام سریع مربوط می‌شود. به‌طور هم‌زمان، سیمای جمعیتی به دلیل افزایش سن جمعیت و در نتیجه تسریع مهاجرت در حال تغییر است. پیشرفت‌های فناوری به‌شدت بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد. ایدئولوژی‌ها در حال تغییر و ادغام شدن هستند. انفجار رسانه‌ای بر فرهنگ‌ها و مردم تأثیر می‌گذارد. ارزش‌ها تغییر می‌کنند، به‌عنوان نمونه در محو شدن همبستگی و کوچک شدن جوامع قابل مشاهده هستند. دولت به‌موجب گرایش‌های مبتنی بر خصوصی‌سازی در حال محو شدن است. همان‌طور که ماکس وبر بیش از یک‌صدسال قبل پیش‌بینی کرده بود، زندگی اجتماعی به‌موجب حرکت از شکل اداره آیینی به سمت زندگی فردی از هم متلاشی می‌شود. اخیراً، زیگمونت باومن این دیدگاه را تکمیل کرد با این ملاحظه که؛ جوامع متأثر از فشار جهانی شدن تحلیل می‌روند.

در چنین شرایطی، چهارچوبی که جرم در آن رخ می‌دهد، باید تغییرات اساسی را تجربه کند. دوم، جرم و کنترل جرم در حال تغییر است. از نظر جغرافیایی، بومی بودن (جرم) در حال ادغام با جهان است.

به‌طور هم‌زمان، محیط فیزیکی و اجتماعی جرم به‌سرعت در حال تغییر است. فرصت‌های جرم هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی به‌شدت تغییر کرده است. بُعد انگیزشی جرم تغییر کرده است. علاوه بر این، درک ما از آنچه باید «جرم» را تشکیل دهد دستخوش تغییر دائمی می‌شود. فناوری‌های کنترلی ظهور کرده‌اند که در نهایت امکان کنترل کامل را فراهم می‌کنند. ضمناً، مکانیسم‌ها و تکنیک‌های کنترل سنتی به‌طور فزاینده‌ای منسوخ شده‌اند، زیرا فرصت‌ها و شیوه‌های جرم دستخوش تغییرات اساسی می‌شوند.

۵- آینده نزدیک: بحران مالی و سیاست مرتبط با جرم

جوامع ما وارد دوران بحران مالی شده‌اند که ممکن است از نوع طولانی‌مدت باشد. اغلب اعتقاد بر این است که چون ما بحران را چیزی بدی می‌بینیم، تنها می‌تواند پیامدهای بدی داشته باشد. بنابراین، اغلب اعتقاد بر این است که شرایط بد اقتصادی باید باعث افزایش جرم می‌شود. در واقعیت، هیچ رابطه ساده یا خطی بین بحران مالی و جرم وجود ندارد. پیامدهای رکود اقتصادی بر انگیزه مجرمانه، اهداف جرم (فرصت‌ها و بازارها) و کنترل جرم متعدد است و باید به‌دقت مورد توجه قرار گیرد. در عین حال پیامدها ممکن است انواع مختلفی چون مثبت، منفی و یا مختلط داشته باشند.

۶- بهترین سناریو

در بهترین حالت، ممکن است آینده‌ای را متصور شویم که در آن نیازهای مالی در نهایت ممکن است در انجام کاری که خبرگان متعصب انسان‌گرا در انجام آن ناکام بوده‌اند، موفق شود. بنابراین، ممکن است با جرم‌زدایی گسترده از دامنه رفتار قابل مجازات کاسته شود (به‌عنوان مثال: در ممنوعیت مواد مخدر تجدیدنظر خواهد شد). در عین حال، منابع (آمادی) پلیس به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. علاوه بر این، صرف نظر از تعقیب قضایی در مقیاس وسیع به‌منظور افزایش هرچه بیشتر صرفه‌جویی (در هزینه‌ها) اعمال خواهد شد. در مورد ضمانت اجراها، مجازات مشروط^۱ تبدیل به قاعده‌ای عام شمول می‌شوند. به‌موازات این، مجازات کیفری در صورت امکان با مجازات اداری جایگزین می‌شود. علاوه بر این، ضمانت اجراهای جایگزین حبس مانند خدمات اجتماعی ترویج می‌یابند و ضمانت اجراهای مفید متأثر از آیین عدالت ترمیمی در مقیاس وسیع اعمال می‌شوند.

مداخله زود هنگام توأم با تبعیض مثبت به مقیاس فراوانی اعمال خواهد شد و دیگر هیچ کودکی روانه زندان نمی‌شود. مجرمان با مشارکت سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی، خانواده و شبکه‌های هم‌تایان

۱- حکم حبس صادر می‌شود اما اجازه داده می‌شود این مجازات در اجتماع تحمل شود اما در تعلیق مجازات شخص محکوم می‌شود اما مجازات، تعلیق می‌شود.

پذیرفته و دوباره به جامعه بازگردانده می‌شوند، و به این ترتیب، مراقبت‌های پس از خروج غیراستاندارد کنونی از محکومان سابق تا حد زیادی بهبود می‌یابد. نظارت الکترونیکی به‌طور مداوم و فراگیر اعمال خواهد شد... به‌طور هم‌زمان، دستورات محدودکننده یا حفاظتی به میزان فراوانی اعمال و توسط یک سیستم نظارت الکترونیکی مؤثر، اجرا می‌شوند، با این حال، آینده نیز ممکن است بسیار متفاوت شود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بحران مالی به احتمال زیاد با یک سیاست جنایی سخت‌گیرانه همراه است که به سرکوب به‌جای ادغام اعتقاد دارد.

۷- جایگزین دیگر (بدترین شکل سناریو)

بحران مالی، به‌ویژه اگر به نظر رسد که طولانی‌مدت باشد، می‌تواند عواقب مهمی برای رویکردهای کنترل جرم داشته باشد. کنترل با ایجاد انگیزه‌هایی برای مردم با هدف اطلاع‌رسانی به یکدیگر و اعطای اختیارات اجرایی به آن‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین برای جبران کمبود منابع پلیس، کار داوطلبانه به کار گرفته می‌شود. اجرای خودسرانه عدالت^۲ (بدون طی مراحل قانونی یا مراجعه به پلیس) مورد حمایت واقع می‌شود. به موازات چنین نوآوری‌هایی، بخش‌هایی از نظام ضمانت اجراهای کیفری خصوصی‌سازی می‌شود که در آن شرکت‌های خصوصی می‌توانند سود ببرند خواه با کمک‌های مالی دولتی یا تحت شرایط بازار آزاد، امنیت را برای کسانی که می‌توانند از عهده (مخارج) آن برآیند، فراهم کنند. آن‌هایی که از رفاه کمتری برخوردارند باید خدمات عمومی با استاندارد پایین را بپذیرند. هیرشی این وضعیت را دولت نگهبان شب^۳ (دولت حداقلی) نامید. در عین حال، کار داوطلبانه (سازمان‌های مردم‌نهاد) مسئول اجرای ضمانت اجراهای کم‌اهمیت و شاید هم جدید خواهند شد. ممکن است انواع جدیدی از ضمانت اجراهای خرد مبتنی بر شرمساری، مجازات فیزیکی و مصادره‌ای معرفی شوند. این‌گونه مجازات از زمان‌های گذشته شناخته شده‌اند. نظارت کامل بر «طبقات خطرناک» که به دلیل نابرابری روزافزون و تفاوت‌های درآمدی و کاهش میزان خدمات رفاهی اجتماعی ایجاد می‌شوند، اعمال می‌شود.

۸- یک بازتاب: سیاست مرتبط با جرم مانند باغبانی است

سیاست مرتبط با جرم و باغبانی ویژگی‌های مشترکی دارند. هر دو باید به‌صورت سازمان‌مند پردازش شوند و گرنه از بین خواهند رفت. باغ‌ها قطعات هنری هستند که با تلاش زیاد از بیابان ساخته شده‌اند تا شبیه بهشت گمشده باغ عدن باشند. اصلاح بیابان به شکل یک باغ ممکن است هزار سال طول بکشد. اگر باغ

2- Vigilantism

3- Night-watchman state

رها شود، به سرعت ویران می‌شود، پایداری از بین می‌رود و باغ به‌زودی دوباره به بیابان تبدیل می‌شود. باغ نشان‌دهنده تلاشی برای بازگشت به عدن است که آدم و حوا از آن جا رانده شدند: به دنیایی بدون گناه/جنایت. در باغ، آدمی در اندیشه‌هایش می‌تواند به معصومیت بهشتی که از غم‌ها و وظایف روزمره رنج نمی‌برد، بازگردد. این همان چیزی است که یک سیاست مرتبط با جرم‌رهای یافته است^۴ نیز می‌خواهد در نهایت به آن دست یابد، هرچند که به‌طور هم‌زمان درک می‌شود که این فقط یک هدف آرمانی است. بنابراین، درحالی‌که ما باید برای باغ عدن تلاش کنیم، باید بپذیریم که در زندگی واقعی، ممکن است فقط به نسبت کم‌رنگی از آن دست پیدا کنیم.

۹- رویکردهای جدید: سیاست جنایی مثبت و پژوهش برای حمایت از آن

حتی اگر آینده امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد، ما نیازی به ترویج یک سیاست منفی مرتبط با جرم نداریم. هنوز هم می‌توان یک سیاست جنایی مثبت ایجاد کرد که عناصر مثبت جامعه ما را دربرگرفته و تقویت کند: جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، دولت رفاه، خانواده، سیاست‌های اجتماعی در معنای موسع آن و اعتماد. تحقیق برای این منظور ضروری است. همچنین، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، نه صرفاً به دلیل منابع رایگان آن‌ها، بلکه به دلایل نظری و عمل‌گرایانه ضروری است: در مقایسه با مقامات رسمی، بخش سوم (سازمان‌های مردم‌نهاد) توانایی ایجاد پیوندها و اعتمادی را دارد که برای همکاری مبتنی بر اعتماد با افراد مطرود و برای کنشگری‌های مدنی^۵ ضروری است. اگر فون لیست^۶ جرات بیان این مدعا را داشت که «سیاست اجتماعی خوب بهترین سیاست جنایی است»، ما باید کمی مدرن‌تر باشیم و «اجتماعی» را با «وابسته به اجتماع»^۷ جایگزین کنیم. این بدان معناست که دولت رفاه باید حمایت شود. این مهم برای همه، همچنین برای افراد دارای امتیاز با حق ویژه مناسب است. یا به‌عبارت‌دیگر، افزایش قطعی شدن در نهایت برخلاف منافع بلندمدت همه است.

در چنین شرایطی مجازات باید نقشی متناسب با نقش مرتکب در ایجاد جرم داشته باشد. همچنین، در صورت اجتناب‌ناپذیری، مجازات باید با عناصر سازنده‌ای مرتبط باشد که به یافتن راه‌هایی برای خروج از وضعیت ناخوشایند نه بدتر کردن آن کمک می‌کند. در این رابطه ضمانت‌اجراهای مثبت باید به‌طور جدی موردبررسی قرار گیرند. رویکردهای مبتنی بر اعتماد باید ترویج یابند زیرا بدون همکاری و مشارکت عموم

4- Emancipated crime policy

5- Civic actions

6- Von Liszt

7- Sociétal

مردم، از جمله مجرمان بالقوه، مقاماتی که به حال خود رها شده‌اند، کاملاً ناتوان هستند. به‌طور کلی، اعتماد به مشروعیت نظام (عدالت کیفری) در حال تبدیل شدن به یک هدف اصلی توسعه اجتماعی است. در یک جامعه دموکراتیک، زور و سرکوب به آسانی قابل قبول نیست و «همبستگی ارگانیک» دورکیم برای اجرایی شدن مستلزم قواعدی است که میان همگان به اشتراک گذاشته شود و مورد پذیرش همگان قرار گیرد.

ضرورت رفتار منصفانه و برابر، همان‌طور که برای مظلومان پذیرفته شده است، باید شامل قربانیان جرم نیز بشود. قربانیان جلب رضایت شده نقش مهمی در نحوه ایجاد و حفظ مشروعیت نظام (عدالت کیفری) دارند. به همین ترتیب، باید به‌جای مقابله و تبعیض علیه اقلیت‌ها به‌عنوان «دشمن خوب»، آن‌ها را وارد صحنه کرد. باید فرصت‌های عادلانه‌ای برای آن‌ها فراهم شود تا سهم خود را از موارد خوب ارائه شده توسط جامعه دریافت کنند. اگر این اتفاق نیفتد، هیچ دلیل اخلاقی نیز وجود ندارد که بتوان از آن‌ها انتظار و مطالبه وفاداری به حاکمیت را داشت. تلاش برای ایجاد یک سیاست جنایی مثبت، جدی گرفتن تز مهاتما گاندی^۸ است: «با چشم در برابر چشم، در نهایت همه ما کور خواهیم شد.»

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- Baumann, Z, 2000, Liquid Modernity, Malden, MA: Blackwell Publishers.
- Cohen LE & Felson M, 1979, Social change and crime rate trends: A routine activity approach, in American Sociological Review, vol. 44 (August).
- Durkheim, E, 1893, De la Division du Travail Social, Presses Universitaires de France.
- Hirsch, J, 1980, Der Sicherheitsstaat. Das Modell Deutschland, seine Krise und die neuen sozialen Bewegungen, Frankfurt/Main: Europäische Verlagsanstalt.
- Von Liszt, F, 1905, Kriminalpolitische Aufgaben, in Franz von Liszt: Strafrechtliche Aufsätze und Vorträge, erster Band 1875 bis 1891, Berlin: J. Guttentag, Verlagsbuchhandlung G.m.b.H.
- Törnudd, P, 1969, Syttutkimus sosiologian umpikuja, in Sosiologia 3/1969.
- Törnudd, P, 1971, The Futility of Searching for Causes of Crime, in Scandinavian Studies in Criminology, vol. 3, Oslo-Bergen-Tromsö: Universitetsforlaget.
- Weber, M, 1934, Die protestantische Ethik und der Geist des Kapitalismus, in Max Weber, Gesammelte Aufsätze zur Religionssoziologie I. Tübingen: Verlag von J.C.B.Mohr.